

"شمایل"؟

خسرو ناقد

نمی‌دانم این روزها چه اصراری است که در رسانه‌های گوناگون معنای مجازی icon را هم مانند معنای مذهبی آن "شمایل" ترجمه می‌کنند و بکار می‌بندند! چند نمونه:

خبرگزاری میراث فرهنگی: "شمایل ادبی چین درگذشت. معروف‌ترین نویسنده چین بعد از یک مبارزه شش ساله با سرطان در ۱۰۱ سالگی درگذشت. "با جین" یک شمایل ادبی محسوب می‌شد که نماد جستجوی هویت توسط روشنفکران چینی در قرن بیستم بود".

بی.بی.سی: "بیتل‌ها به عنوان "شمایل قرن" شناخته شدند. معیارهای مورد نظر برای انتخاب بت‌های قرن یا "شمایلها" شامل تاثیر تجاری و خلاقانه آنها، شمار مقلدانشان و ماندگار بودن محبوبیت و جذابیت آنها می‌شد."

روزنامه اعتماد ۲۵ خرداد ۸۴: "شمایل سینمای ایران، محمدعلی فردین. این هنرپیشه، شمایل "علی بی‌غم" را در سینمای ایران باب کرد. شمایل یک جوان کارگر عامی. بهروز وثوقی توانست شمایل تازه‌یی را در سینمای ایران تثبیت کند".

icon/Ikone حداقل در زبان‌های آلمانی و انگلیسی، تا آنجا که من می‌دانم، چند معنای حقیقی و کاربرد مجازی دارد:

(مذهب) شمایل، تمثال. (زبان‌شناسی) تصویر. (کامپیوتر) تصویرنما، نماد تصویری، نشانه. (مجازی) چهره برجسته، شخصیت محبوب، شخص شاخص؛ نماد

حال باید پرسید، چرا چندی است معنای مجازی icon را برخی معادل معنای مذهبی آن قرار می‌دهند؟ چرا "شمایل ادبی" و "شمایل هنری"؟ مگر "چهره ادبی" و "چهره برجسته/ شاخص هنری" چه عیبی دارد که به غلط این اصطلاح مذهبی را، مجازاً برای معرفی چهره‌ای برجسته به کار می‌برند؟ جالب آنکه "شمایل/ شمائل" در زبان عرب به معنای "خصلت‌های خوب" و "خوبی‌های ذات" و "سرشت‌های نیکو" است، اما فارسی‌زبانان در لغت به معنای "روی" و "چهره" و "شکل" بکار می‌گیرند.

به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم / شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم (حافظ)

ای سرو بلند قامت دوست / وه وه که شمایلت چه نیکوست (سعدی) دروغ اگر این بنده
با حسن شمایلی که دارد، زبان دراز و بی ادب نبودی. "گلستان"
البته در متون کهن گاهی نیز به همان معنا که این لغت در زبان عرب دارد، بکار گرفته
می‌شد؛ مثلاً آنجا که سعدی می‌گوید: "وزیر از شمایل [خصلت های خوب] او در حضرت
سلطان شمه‌ای می‌گفت." اکنون اما، این لغت، هم در زبان ادبی و هم در محاوره و زبان عامیانه،
بیشتر به صورت "شکل" و شمایل" مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور از آن "ترکیب و صورت و
هیكل" و "چهره و قیافه" است.

گویند که داشت شخص پرویز/ شکلی و شمایلی دلاویز (نظامی)
ای بُرده دلم را تو بدین شکل و شمایل / پروای کست نیست، جهانی به تو مایل (حافظ)
اثرات این طرز تازه‌ی زندگانی در اخلاق و اطوار و شکل و شمایل آنها نمودار و
محسوس گردید. (جمالزاده)

کاربرد جدید لغت icon به تازگی در اصطلاحات مربوط به رایانه/ کامپیوتر است که معادل‌های
فارسی "تصویرنما" و "نماد تصویری" را برای آن در نظر گرفته‌اند. در مورد این کاربرد البته هنوز
ندیده‌ام که کسی به "نمادهای تصویری" که مثلاً روی صفحه نمایشگر رایانه قرار می‌دهند، "شمایل" بگوید!
معنای اول شمایل = icon اما همان "تصویر" و "تمثال دینی" است که صرفاً به نقاشی‌هایی تخیلی
که از چهرهٔ انبیا و امامان و قدیسان در دست است اطلاق می‌شود. مشهورترین شمایل‌های مذهبی را
که ارزش هنری بسیاری نیز دارند در کلیساهای ارتودوکس می‌توان سراغ گرفت. "شمایل حضرت
محمد" و "تمثال حضرت امیر" نیز از اصطلاحات رایج در ادبیات مذهبی ایران است.
"شمایل گردان" و "شمایل‌ساز" و "شمایل‌شکنی" و "شمایل‌شناسی" و غیره نیز ترکیباتی‌اند که از
معنای اخیر گرفته شده‌اند. رژه در مقابل تمثال شاهان هم تا همین دو سه دهه اخیر در ایران رسم
بود؛ و نیز سوءاستفاده از شمایل و تمثال امامان برای فریب مردم، البته در این اواخر پیروان و مقلدان
"امامان نوظهور"، تصاویر و عکس‌های آنان را نیز "شمایل" می‌نامند و به مناسبت‌های گوناگون جلو
آنها رژه می‌روند! به هر حال، من هر چه جستجو کردم "شمایل" را به معنای "چهره برجسته/
شاخص" و "شخصیت معروف و محبوب" نیافتم. تصور می‌کنم این دسته‌گل را هم روزنامه‌نگاران و
ژورنالیست‌های عجول به آب داده‌اند و پافشاریشان هم برای استفاده از این معنای من‌درآوردی شاید
بخاطر "شیک" بودن این اصطلاح است و شاید هم - چنانکه بعد از مرگ مرحوم ژاک دریدا رسم و
عادت همگانی شده است - منظور "ساختار شکنی" بوده باشد. کسی چه می‌داند. شاید هم قرار است
از این لغت نیز "نقدس‌زدایی" شود. ■